

## **Imam Reza's (A.S.) Civilizational Approach to Education**

**Rasoul Mohammadjafari** \*

**Received on: 12/11/2024**

**Morteza Ghasemi** \*\*

**Accepted on: 04/05/2025**

### **Abstract**

**Purpose:** Civilizational education is derived from the teachings of prophets and divine leaders. In this approach, human beings are educated based on the purpose of creation, which is attaining the position of God's vicegerency on Earth. This type of education is not limited to individuals; rather, it provides a foundation for the growth of all members of society, with the formation of a monotheistic community as its ultimate goal. Among the Shi'a Imams, Imam Reza (A.S.) holds a distinguished position in the history of the Islamic world and Islamic civilization. His Imamate lasted for twenty years, from 183 to 203 AH. Due to the translation movement and the unique intellectual, cultural, and political atmosphere of this period, distinct intellectual currents and socio-political and cultural conditions emerged. In this context, Imam Reza (A.S.) stood out as not only the principal theorist of Shi'ism but of the entire Islamic world. Fully knowledgeable of true Islamic teachings, he firmly resisted ideological and doctrinal deviations and, drawing on pure teachings of the Qur'an and untainted Sunnah, presented a divine worldview and correct individual and social conduct. Despite the profound impact of Imam Reza's (A.S.) teachings on various aspects of Islamic civilization, the educational and civilizational dimensions of his thoughts have not been thoroughly and comprehensively studied. Today, as human societies face civilizational decline and moral and educational deterioration, studying Imam Reza's (A.S.) civilizational approach to education can offer a transformative, civilization-building perspective on education.

---

\* Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

[r.mjafari@shahed.ac.ir](mailto:r.mjafari@shahed.ac.ir)

 0000-0002-3554-0694

\*\* Ph.D. Candidate in Quranic Sciences and Hadith, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

[morteza.ghasemi.1661@gmail.com](mailto:morteza.ghasemi.1661@gmail.com)

 0009-0002-9841-1678



**Methodology:** This research employs a descriptive-analytical method, based on conceptual and documentary analysis. Using this method, propositions indicating Imam Reza's (A.S.) civilizational discourse and practice related to education are extracted from authentic hadith sources. These are then analyzed to elaborate his civilizational approach to education.

**Findings:** The study and analysis of Imam Reza's (A.S.) educational conduct reveal that his approach encompasses deep civilizational components. In examining the historical and cultural context of his educational conduct with an emphasis on its civilizational function, it was found that several factors - including the golden era of Imam Reza (A.S.), his acceptance of the Crown Prince position and the associated educational challenges, his civilization-building migration to Iran, his scholarly debates, and his establishment of religious rationalism - elevated his educational model from individual training to a civilizational framework. His civilizational education approach rested on foundational principles, which were examined in five key areas: Tawhid-centeredness, Human equality, Human agency in determining destiny, Human dignity, Educational justice. These principles, which form the basis of his educational methods, indicate that: First, civilizational education must be centered on monotheism; Second, all human beings have the potential for education and civilization-building; Third, every individual plays a role in shaping the destiny of their society. Imam Reza's (A.S.) educational methods with a civilizational approach were analyzed across cognitive, emotional, and behavioral domains. His cognitive educational methods encompassed diverse aspects, such as promoting critical thinking and rationalism. Holding open discourse sessions exemplified his support for critical thinking, while rational training illustrated his rationalistic approach. In emotional education, alongside rationality, Imam Reza (A.S.) employed positive emotions and affections to develop character and deepen faith and devotion. His behavioral education methods were such that they prevented societal fragmentation, emphasized commonalities, and fostered synergy. In the behavioral dimension, two key methods were highlighted: intentional overlook (tolerance) and modeling.

**Conclusion:** In a civilizational approach to education, theorizing and leadership must be rooted in divine teachings—either directly revealed by God or inspired in the hearts of divinely appointed leaders and conveyed through hadith. The responsibility of educating human beings based on these teachings rests with such leaders. Based on divine teachings and his transformative methods and conduct, Imam Reza (A.S.) was the most influential civilizational figure of his era. Revisiting and implementing the traditions and reports related to his conduct can play a significant role in reconstructing Islamic civilization and establishing a new Islamic civilization.

**Keywords:** Imam Reza (A.S.), Civilization-building Education, Historical and Cultural Contexts, Foundations of Civilizational Education, Educational Methods.

## رویکرد تمدنی امام رضا (ع) به تربیت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

رسول محمدجعفری \*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

مرتضی قاسمی \*\*

### چکیده

سیره تربیتی امام رضا (ع) واجد ظرفیت‌های ژرف معرفتی، تربیتی و تمدنی است. بررسی این سیره در افق تمدن‌سازی اسلامی، امکان تحلیل نظام‌مند ارتباط دوسویه تربیت انسان و شکل‌گیری فرهنگ و تمدن را فراهم می‌سازد. هدف از این پژوهش، تبیین نقش و کارکرد تمدن‌ساز سیره تربیتی امام رضا (ع) در بافت تاریخی دوران امامت‌شان و تحلیل تأثیر آن بر تمدن اسلامی است. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسنادی صورت گرفت. با استفاده از روش مذکور، گزاره‌هایی که بر رویکرد امام رضا (ع) به تربیت تمدنی دلالت دارند، از جوامع حدیثی گوناگون جمع‌آوری گردید؛ سپس به تحلیل بسترها، مبانی تربیت تمدنی و روش‌های تربیت تمدنی در سیره تربیتی امام (ع) پرداخته شد. بررسی سیره تربیتی امام رضا (ع) نشان داد که بسترهایی چون دوران طلایی عصر امام رضا (ع)، پذیرش ولایت‌عهدی و چالش‌های تربیتی، هجرت تمدن‌ساز امام رضا (ع) به ایران، مناظره‌های علمی و بنیان‌گذاری عقلانیت دینی موجب شد تا سیره تربیتی امام (ع) از سطح آموزش و تربیت فردی به مرحله تمدن‌ساز ارتقا یابد. مبانی تربیت تمدنی در پنج محور بنیادین تحلیل شد: توحیدمحوری، برابری انسانی، نقش‌آفرینی انسان در تعیین سرنوشت، کرامت‌مداری انسان، عدالت تربیتی. روش‌های تربیتی با رویکرد تمدنی در سیره امام رضا (ع) در حوزه‌های تربیت شناختی، تربیت عاطفی و تربیت رفتاری واکاوی شد.

**کلمات کلیدی:** امام رضا (ع)، تربیت تمدن‌ساز، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، مبانی تربیت تمدنی، روش‌های تربیتی.

\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

0000-0002-3554-0694

r.mjafari@shahed.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

0009-0002-9841-1678

morteza.ghasemi.1661@gmail.com



## بیان مسئله

آفرینش انسان همانند سایر مخلوقات در منظومه عالم هستی هدفمند بوده است؛ انسانی که هرآنچه در زمین است، برای او آفریده شده است (بقره: ۲۹) و نباید بیندازد که بیهوده رها می‌شود (قیامت: ۳۶). لازمه هدفمندی آفرینش انسان وجود راهنمایی برای هدایت انسان‌ها و نمایاندن راه از بی‌راهه است تا انسان‌ها مسیر رشد و کمال را بیمایند. از این روی، چون آدم (ع) آفریده شد و با همسرش به زمین هبوط کرد، مقام پیامبری نیز به او داده شد و نخستین پیامبر در وجود نخستین انسان - آدم (ع) - تجلی یافت (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳۳). بشر برای رسیدن به سعادت حقیقی و نیل به کمال ابدی به برنامه‌هایی نیاز دارد تا کیفیت ارتباط خود با خدا، جهان و هم‌نوع را برای او مشخص کند و منافع و مصالح و مضار و مفسد را برای او تعیین کند. به همین دلیل است که همیشه انسان یا خود پیامبر بوده یا پیامبر داشته است. اولین انسان، یعنی آدم (ع)، پیامبر بود و وحی الهی را دریافت می‌کرد؛ پس هر امتی پیامبری داشت تا در سایه هدایت او زندگی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹).

تربیت تمدنی، تربیتی برآمده از آموزه‌های پیامبران و پیشوایان الهی است. در این رویکرد اولاً، انسان بر پایه هدف خلقت که رسیدن به مقام جانشینی خداوند در زمین است، تربیت می‌شود؛ ثانیاً، به فرد محدود نمی‌شود و زمینه رشد و تعالی برای همه افراد جامعه آماده است و شکل‌گیری جامعه‌ای توحیدی غایت اصلی آن است.

در میان امامان شیعه، امام علی بن موسی الرضا (ع) جایگاهی ممتاز در تاریخ جهان اسلام و تمدن اسلامی دارد. دانش ایشان برتر از علم مردمان زمان خود بود، زیرا علوم پیامبران و امامان برخلاف علوم مردم عادی از مخزن علم الهی سرچشمه گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۲) که این خود یکی از نشانه‌های پیشوایی و امامت است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۸). امامت ایشان را، به مدت بیست سال در سال‌های ۱۸۳ تا ۲۰۳ قمری (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۴۷)، می‌توان در سه دوره تقسیم کرد: ۱. ده سال اول امامت آن حضرت که در دوره زمامداری هارون بود. ۲. پنج سال بعد که دوره خلافت امین، پسر بزرگ‌تر، هارون بود. ۳. پنج سال اخیر امامت آن حضرت که مصادف با خلافت مأمون و تسلط او بر قلمرو اسلامی آن روز بود. امام رضا (ع) در هر یک از این سه دوره که از لحاظ اوضاع و شرایط باهم تفاوت داشت، به تناسب زمان، وظایف خود را در راه خدمت به اسلام و رهبری شیعیان انجام می‌دادند (الهامی، ۱۳۷۵، ص ۵۴۹).

به دلیل نهضت ترجمه و فضای فکری و فرهنگی و جو سیاسی متفاوتی که در این دوران به وجود آمد، جریان‌های فکری و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متمایزی پدیدار شد. در این بین، امام رضا (ع)

یگانه نظریه پرداز تشیع بلکه جهان اسلام بود. ایشان که عالم به آموزه‌های راستین اسلامی بودند، از سویی چون دژی استوار در برابر انحرافات فکری و اعتقادی ایستادند و از سوی دیگر، با تکیه بر آموزه‌های اصیل اسلامی - که برآمده از قرآن و سنت پیراسته از التقاطها و تحریفها بود - جهان بینی الهی و سلوک فردی و اجتماعی صحیح را ارائه کردند.

امام رضا (ع) با توجه به فضای گفتمانی عصر خود و ناظر به مسائل و واقعیت‌های موجود در جامعه، با آرا و اندیشه‌های مختلف مواجهه داشتند و نظریه پردازی می‌کردند. برخی از موضوعات مورد مناقشه عبارت بودند از: انسان‌شناسی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۱۵۷-۱۵۸؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۹)، خداشناسی (صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۱۶۰-۱۶۱)، راهنماشناسی (صدوق، ۱۴۰۰ق، صص ۹۰-۹۱)، قرآن‌شناسی (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۹۰)، معادشناسی (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۰۶)، تبیین احکام و معارف دینی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۶؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۱۱۱-۱۱۲)، مواجهه با جریان‌های فکری منحرف (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۱۲؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۹).

به دلیل اثرگذاری درخشانی که امام رضا (ع) داشتند، پس از شهادت، مزارشان در خراسان محبوب تمامی مسلمانان آن نواحی در طول قرن‌ها بود؛ به طوری که افزون بر شیعیان که از همان آغاز به زیارت قبر امام (ع) می‌رفتند و در این باره اصرار فراوان داشتند، سنیان نیز به زیارت بقعه آن حضرت علاقه مند بوده و آن را زیارت می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸).

با وجود تأثیر شگرف آموزه‌های امام رضا (ع) بر جنبه‌های مختلف تمدن اسلامی، ابعاد تربیتی و تمدنی اندیشه‌های ایشان کم‌تر مورد مطالعه دقیق و جامع قرار گرفته است؛ در حالی که امروزه جوامع انسانی با انحطاط تمدنی مواجه‌اند و در سراشیبی و سقوط اخلاقی و تربیتی قرار گرفته‌اند. هدف از این پژوهش مطالعه رویکرد تربیت تمدنی امام رضا (ع) است که می‌تواند راهگشای نگاه تمدن‌سازانه به تربیت باشد.

## ۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی چند در موضوع سیره تربیتی امام رضا (ع) سامان یافته است. موسلی و جدی (۱۳۹۷) در مقاله «مؤلفه‌ها و روش‌های تربیتی در احادیث امام رضا (ع)»، مؤلفه‌های تربیت رضوی (ع) را در سه پایه اصلی خدامحوری، اشتغال و جامعیت، عنایت به جنبه‌های فردی و اجتماعی دانسته‌اند و در امتداد این اصول سه‌گانه روش‌هایی بیان کرده‌اند. بهشتی و رشیدی (۱۳۹۲) در مقاله «اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع)»، اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع) را در دو دسته اصول عام و اصول خاص تقسیم‌بندی و تبیین کرده است.

هراتی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تربیت فرزند در خانواده از منظر سیره امام رضا (ع)»، در سه

رویکرد تربیت دینی، اجتماعی و علمی روش‌هایی را برای تربیت فرزند تبیین کرده‌اند که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از پرورش هویت اجتماعی، گفت‌وگو، پرورش حس مسئولیت‌پذیری در مقابل جامعه و طبیعت و پرورش تفکر انتقادی.

شریفی (۱۴۰۰) در مقاله «سبک و سیره امام رضا (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه»، روش‌های تربیتی شناختی و رفتاری امام رضا (ع) را تبیین کرده است. قاسمی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا (ع)»، بر پایه کتاب «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، تألیف خسرو باقری، به استخراج و تبیین اصول و روش‌های تربیت اخلاقی همت گماشته‌اند.

در مجموع، آنچه در بیشتر آثار موجود مشاهده می‌شود، نبود رویکرد تمدنی و نپرداختن بایسته به مباحث فرافردی است. تربیت در این مطالعات بیشتر با رویکرد اخلاقی و فردی بررسی شده است؛ در حالی که این مقاله با رویکرد اجتماعی و تمدن‌ساز به موضوع می‌پردازد.

## ۲. روش پژوهش

پژوهش‌های علمی بر پایه ماهیت و روشی که دارند به پژوهش‌های تاریخی، توصیفی، همبستگی، تجربی و علیّ تقسیم می‌شوند. تحقیق توصیفی در بردارنده روش‌هایی است که با بهره‌گیری از آن‌ها به توصیف نظام‌مند موقعیت یا مسئله مورد علاقه پرداخته می‌شود (محمودی، ۱۳۸۷، ص ۶۰). در پژوهش توصیفی، به معنای خاص آن، محقق لزوماً در پی کشف و توضیح روابط، همبستگی‌ها و احیاناً آزمودن فرضیه‌ها و پیش‌بینی رویدادها نیست، بلکه بیشتر در جهت توصیف کردن و گزارش‌نویسی از موقعیت‌ها و وقایع براساس اطلاعاتی است که صرفاً جنبه توصیفی دارند (نادری، ۱۳۹۸، ص ۴۰). تحقیقات توصیفی خود در دو محور تحقیق توصیفی محض و تحقیق توصیفی - تحلیلی دسته‌بندی می‌شوند. در تحقیق توصیفی - تحلیلی محقق علاوه بر تصویرسازی از آنچه که هست، به تبیین و تشریح دلایل چگونگی و چرایی وضعیت مسئله همت می‌گمارد (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۷۹).

این پژوهش با کاربست روش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسنادی انجام می‌شود. با بهره‌گیری از این روش، گزاره‌هایی که بر گفتار و رفتار تمدنی امام رضا (ع) در ارتباط با تربیت دلالت دارد، از کتاب‌های حدیثی معتبر جمع‌آوری می‌گردد، آن‌گاه رویکرد تمدنی امام رضا (ع) در تربیت تبیین می‌شود.

### ۳. چهار چوب مفهومی پژوهش

#### ۳-۱. مفهوم‌شناسی «تربیت تمدنی»

تربیت به مفهوم عام آن شامل جنبه‌های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است و هریک از این ابعاد به لحاظ روان‌شناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد (شریعتمداری، ۱۳۹۰، صص ۱۹۱-۱۹۲)، اما در اصطلاح، تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه در انسان است. تربیت فرایندی است که نتیجه آن تغییر رفتار - اعم از رفتار ظاهری و باطنی - و کسب هنجارهای مورد قبول در انسان است (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۳۳). تمدن در اصطلاح عبارت است از جامعه‌پذیری و نظم‌پذیری برای همکاری و تعاون میان انسان‌ها و زمینه‌ای برای مقبولیت یک فرهنگ (جان احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۵). از ترکیب دو واژه تربیت و تمدن و ایجاد رابطه وصفی میان آن‌ها (تربیت تمدنی) می‌توان این تعریف را ارائه کرد که «تربیت تمدنی» حذف رفتارهای نامناسب اجتماعی و ایجاد رفتارهای مناسب با زندگی اجتماعی است، به طوری که ارتباط و همکاری مسالمت‌آمیز و دوستانه میان انسان‌ها برقرار باشد و جامعه به صورت یکپارچه در مسیر بالندگی، کمال و سعادت قرار گیرد.

#### ۳-۲. انسان‌شناسی در تربیت تمدنی

در جهان‌بینی قرآن، انسان از دو بُعد وجودی برخوردار است: بُعد جسمانی و بُعد روحانی؛ بنابراین از منظر اسلام شخصیت فقط روح انسان نیست، بلکه وقتی روح در کالبد جسم قرار می‌گیرد و این دو باهم ترکیب می‌شود، سخن از تربیت انسان آغاز می‌گردد. از این رو، در منظومه تربیت اسلامی «انسان» موجودی مختار، فطرت‌مند، خلیفه خداوند و دارای مسئولیت تاریخی در زمین است (بقره: ۳۰؛ شمس: ۷-۱۰).

وجود غریزه‌ها، خواسته‌های گوناگون آدمی، کشش‌ها و گرایش‌های متنوع و نیز موانع گوناگونی که گاه محدودکننده است و گاهی سرکوب‌گر، جای تردید و انکار نیست؛ اما این امور تنها بخشی از حقیقت آدمی در قلمرو طبیعت او است. بخش دیگری از حقیقت بلند انسان عقل و فطرت الهی است که اگر نقش خویش را به دست آورد و آن را ایفا کند، همه غریزه‌ها و نیازهای مادی را به خوبی تعدیل می‌کند، بی‌آنکه تعطیل یا به تعبیر فروید، سرکوب آن‌ها را در دستور کار خود قرار دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۰). البته اساس تربیت در انسان باید بر شکوفا کردن روح باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۲، ص ۷۲). بی‌تردید یکی از اهداف تربیت، ساختن انسان، جامعه و تمدن انسانی خوب است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲).

#### ۳-۳. جایگاه امام رضا (ع) در تربیت تمدنی

برخی از دانشمندان، براساس روایات، عناصر تمدنی را به دو دسته ۱. عناصر معنوی تمدن اسلامی

۲. عناصر ظاهری و مادی تمدن اسلامی تقسیم کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۹، ص ۳۲۷) و این روایت امام صادق (ع) را بر عناصر معنوی تمدن اسلامی دلالت داده‌اند: «لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةِ يَفْرَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا فَقِيهِ عَالِمٍ وَرَعَ وَ أَمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَ طَيِّبٍ بَصِيرٍ ثِقَّةً» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۱): «هر جامعه‌ای به سه گروه از انسان‌ها نیاز دارد تا مردمان در امور دنیایی و آخرتی خود به آنان پناه برند؛ اگر وجودشان بی‌بهره شوند به نابسامانی دچار خواهند شد: ۱. فقیهی عالم و پارسا ۲. فرمانروایی نیکوکار و مورد اطاعت ۳. پزشکی آگاه و مورد اعتماد».

بی‌گمان اهل‌بیت (ع) برجسته‌ترین عالمان فقیه هر عصری هستند، چنان‌که ایشان خود را عالم شناسانده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴). همچنین، لقب عالم در میان اهل‌بیت (ع) به امام رضا (ع) تخصیص یافته است. امام کاظم (ع) ایشان را عالم آل محمد (ص) نامیده‌اند (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۲۸). این نام‌گذاری به دلیل جایگاه امام رضا (ع) و شرایط عصر ایشان است که در تعامل و ارتباط به گروه‌های متعدد جامعه از جمله نخبگان بوده است. ابوصلت هَرَوی می‌گوید: «کسی را عالم‌تر از علی بن موسی الرضا (ع) ندیدم؛ در حضور مأمون با دانشمندان ادیان، فقیهان شریعت و متکلمان مناظره کرده و بر آنان چیره می‌گشت و آنان بر ناتوانی خود در برابر حضرت اعتراف می‌کردند» (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۲۸). از این رو، امام رضا (ع) به دلیل دانش گسترده و نیز به سبب سیرت الهی‌اش نقش ستrgی در تربیت تمدنی جامعه داشته است. شایان ذکر است که شأن حکومت‌داری امام رضا (ع) به دلیل غضب خلافت توسط بنی‌عباس ظهور نیافت که اگر چنین می‌شد، بی‌گمان فرمانروایی نیکوکار و عادل برای جامعه بود.

### ۳-۴. عوامل سازنده تمدن

برخی پژوهشگران عوامل مهم، تعیین‌کننده و سازنده تمدن را چهار عنصر معرفت دینی، خردورزی، پیشرفت دانش و امنیت بیان داشته‌اند: ۱. معرفت دینی: اندیشه‌مندان بر این باورند که دین مهم‌ترین عنصر حیات ملت‌ها به شمار می‌آید. ۲. خردورزی: ملت‌های متمدن با گسترش عقلانیت به ابتکار و خلاقیت دست می‌یازند و استعداد‌های نهفته خود را برای نیل به خواسته‌های خود به کار می‌بندند. فهم درست از دین نیز به کار انداختن عقل و عقلانیت را می‌طلبد. ۳. پیشرفت دانش: دانش‌اندوزی در فضای آزاد ممکن است؛ بنابراین در جامعه‌ای که فضای استبدادی حاکم باشد، تکامل علمی و در نتیجه تمدن‌سازی ممکن نیست. ۴. امنیت: همه عوامل پیش‌گفته در پرتو امنیت و آرامش جامعه سودمند است (حسینی، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۳۰). معرفت دینی، خردورزی، پیشرفت دانش و امنیت به وسیله فقیه عالم و پارسا، فرمانروای نیکوکار و مورد اطاعت و پزشک آگاه تحقق می‌یابد، همان‌طور که در روایت پیش‌گفته از امام صادق (ع) به سه عامل تمدن‌ساز اشاره شد: ۱. فقیه عالم و پارسا ۲. فرمانروای نیکوکار و مورد اطاعت ۳. پزشک آگاه و مورد اعتماد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۱).

#### ۴- زمینه‌های تاریخی و فرهنگی سیره تربیتی امام رضا (ع) با تأکید بر کارکرد تمدنی

این بخش با تکیه بر تحلیل تاریخی و گفتمان عصر امام رضا (ع)، برخی از زمینه‌ها را بررسی می‌کند که موجب شده تا سیره تربیتی امام (ع) از سطح آموزش و تربیت فردی به مرحله تمدن‌ساز ارتقا یابد.

##### ۴-۱. دوران طلایی عصر امام رضا (ع)

عصر امام رضا (ع) را عصر طلایی نامیده‌اند؛ زیرا که این عصر به دلیل شکوفایی عمران، گسترش کشاورزی و تسلط دولت اسلامی بر بیشتر مناطق عالم که تحت فرمان دولت عباسی قرار گرفت، از درخشان‌ترین و شگفت‌آورترین اعصار در تاریخ اسلام به شمار می‌آید (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۸۱). امام رضا (ع) موضوع تربیت سیاسی - اجتماعی را پیگیری کردند. این هدف در بُعد کلان، توانمندسازی اجتماعی مردم در برابر تربیت حکومت ستم‌پیشه را دنبال می‌کرد. در الگوی رفتاری امام (ع) تربیت سیاسی از مؤلفه‌هایی چون حق‌مداری، حق‌طلبی، نفی قدرت‌طلبی و حب قدرت، اقتناع و روشنگری اجتماعی، تعلیم و تربیت مسلمانان و بیدارسازی اجتماع آنان درباره واقعاتی‌های موجود برخوردار بود (حمیدی و مزدخواه، ۱۴۰۱، ص ۱۰۶).

##### ۴-۲. پذیرش ولایت‌عهدی و چالش‌های تربیتی

پذیرش ولایت‌عهدی مأمون توسط امام رضا (ع) دشواری‌هایی در وظایف تمدنی و تربیتی آن حضرت به وجود آورده بود؛ از جمله برای برخی شائبه‌آور و شگفت‌آور بود که چگونه امام (ع) با وجود اظهار دل بستگی نداشتن به دنیا و حکومت، این مسئولیت را عهده‌دار شده است (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۷۲). امام رضا (ع) در پاسخ به این شائبه آن را ناشی از اجبار مأمون بیان می‌دارد و می‌فرماید: «بین پذیرش ولایت‌عهدی و مرگ مخیر گشتم و به‌ناچار آن را پذیرفتم» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۷۲). امام رضا (ع) برای خنثی کردن توطئه مأمون در پذیرش ولایت‌عهدی، برای پذیرفتن آن شرط می‌گذارند که مسئولیت امر ونهی، فتوا و قضا، عزل و تغییر نداشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸۹). به این ترتیب، امام (ع) جایگاه تاریخی خود در تمدن‌سازی تربیتی را حفظ کردند و مرجعیت علمی و تربیتی حضرت خدشه‌دار نشد.

##### ۴-۳. هجرت تمدن‌ساز امام رضا (ع) به ایران

وجود امام رضا (ع) در خراسان سبب شد تا شخصیت آن حضرت به‌عنوان امام شیعه برای مردم بیشتر شناخته شود؛ بنابراین هواداران شیعه هر روز بیشتر می‌شدند. حیثیت علمی و علوی امام (ع) مهم‌ترین عامل در توسعه مذهب شیعه به حساب می‌آمد. به‌ویژه که مبانی فکری شیعه نیز در آن شرایط مشخص

شده بود و مرجعیت علمی امام (ع) توسعه فکر شیعی را در برداشت (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹).

رجاء بن ابی ضحاک - که مأمور مأمون و مسئول آوردن امام رضا (ع) از مدینه به مرو بود - می‌گوید: «در هر شهری فرود می‌آمدیم، مردم نزد ایشان حضور می‌یافتند، مسائل دینی خود را می‌پرسیدند و حضرت نیز پاسخ می‌داد. ایشان فراوان به نقل از پدر و پداریش از امام (ع) از رسول خدا (ص) حدیث نقل می‌کرد. وقتی رجاء بن ابی ضحاک ماجرا را برای مأمون گزارش کرد، مأمون گفت: «آنچه را دیده برای دیگران نقل نکند.» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۶). تکیه امام (ع) در نقل سند حدیث بر طریق پدرانشان بهترین علامت برای توسعه فکر شیعی بوده است. این طریق تنها طریقی است که در آن صرفاً با اتکای بر اهل بیت (ع) احادیث ارائه می‌شود و از دیگر روایان در سلسله سند حدیث استفاده نمی‌شود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹). هجرت امام رضا (ع) به ایران نتایج تمدن‌ساز به دنبال داشت. حضور کوتاه‌مدت ایشان چنان شرایط آن روز خراسان را به نفع آموزه‌های مبتنی بر تمدن اسلامی متحول کرد که می‌توان گفت سرنوشت جهان اسلام را تغییر داد و آثار عمیقی بر روند تمدن‌سازی در خراسان و شرق اسلامی بر جای نهاد (شفایی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶).

پس از دو سال حضور امام (ع) در خراسان، مأمون برای حذف محور شیعه در خراسان، امام را به شهادت رساند. با وجود این، همان دو سال حضور امام (ع) در خراسان سبب گسترش تشیع در خراسان و نواحی اطراف آن شده بود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱). مکتب‌های نیشابور، هرات، بلخ، مرو، بخارا، سمرقند، ری و اصفهان و سایر شهرهای ایران بزرگ مرکز فعالیت و جنب‌وجوش شد. صدها نفر از رجال بزرگ اسلام در این شهرها تربیت شدند و در شرق و غرب عالم تمدن درخشان اسلام را محکم و استوار ساختند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۳۴۲).

#### ۴-۴. مناظره‌های علمی و بنیان‌گذاری عقلانیت دینی

یکی از دوره‌هایی که بیشترین مناظرات علمی و مجالس وعظ و خطابه و گفت‌وگو در آن رخ داد، عصر مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق) است. مناظرات عامل مهمی برای تقویت بنیه فکری و علمی جامعه و اعتلای اندیشه اسلامی به شمار می‌رفت. از بهترین مجالس علمی عصر مأمون که همه منابع به آن اشاره کرده‌اند، مجالس امام رضا (ع) در توس است (جان‌احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۸).

از امام (ع) مناظره‌های متعددی در حضور مأمون گزارش شده است؛ از جمله مناظره با بزرگان ادیان مختلف مانند جاثلیق، رأس الجالوت، بزرگان صابنان، هژید اکبر، زرتشتیان و نسطاس رومی (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۵۴)، مناظره با سلیمان مَرَوَزی متکلم خراسانی درباره توحید (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۷۹)، مناظره با صاحبان ادیان و مذاهب (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)، مناظره با علی بن محمد

بن جهم درباره عصمت (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)، مناظره درباره دلایل امامت ائمه (ع) و نقد دیدگاه غالیان (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۰۰).

شاید این مناظرات برای ایجاد چالش و شکست امام (ع) ترتیب داده می‌شد. حضرت این چالش را تبدیل به فرصت کرد. مناظره‌های متنوع و متکثر در موضوعات درون دینی و برون دینی و واهمه نداشتن در رویارویی با همه سلاقی فکری، بیانگر عمق رویکرد تمدن‌ساز امام رضا (ع) است. در متن این مناظرات، روشنگری و بیان باورهای صحیح به وقوع می‌پیوست و در فرامتن آن‌ها حضرت تربیت عقلانی و باورمندی به گفت‌وگو در اقتناع مخاطبان با هر دیدگاه و عقیده‌ای را به مخاطبانش آموزش می‌داد.

### ۵. مبانی تربیت تمدنی در سیره امام رضا (ع)

منظور از مبانی تربیتی، اصول موضوعه و پیش‌فرض‌ها برای روش‌های تربیتی است. براین اساس، روش‌های تربیتی تمدنی امام رضا (ع) بر اصولی و چهارچوب‌هایی استوار شده است که منشعب از آن‌ها هستند و بدون آن‌ها چون درختی بی‌ریشه خواهد بود. با بررسی سیره تربیتی امام رضا (ع) می‌توان اموری را به‌عنوان پیش‌فرض‌ها برای نظام تربیتی تبیین کرد. در این بخش، مهم‌ترین مبانی در پنج محور بنیادین بررسی می‌شود.

#### ۵-۱. توحیدمحوری

مهم‌ترین مبنا در تربیت تمدنی و اساسی‌ترین زیرساخت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، توحید است. به تعبیر علامه طباطبایی، از مهم‌ترین نکاتی که در این دین مشاهده می‌شود، ارتباط کامل و یکپارچگی بین تمام اجزای آن است؛ به این معنا که روح توحید در اخلاق کریمه‌ای که این دین به آن دعوت می‌کند، جریان دارد و روح اخلاق در اعمالی که افراد جامعه به انجام آن مکلف شده‌اند، پراکنده است. بنابراین، تمام اجزای دین اسلام با تحلیل به توحید بازمی‌گردد و توحید با ترکیب تبدیل به اخلاق و اعمال می‌شود. اگر (در قوس نزول) از بالا به زمین بیاید، به اخلاق و اعمال تبدیل می‌شود و اگر (در قوس صعود) از زمین به بالا برود، به توحید بازمی‌گردد؛ چنان‌که قرآن فرموده است: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»<sup>۱</sup> (فاطر: ۱۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۰۹).

توحید در تربیت یعنی پرورش انسانی که در نسبت با خالق، خویش و جهان، وحدت‌نگر و مسئول باشد. این اصل به شکل‌گیری تمدن اخلاق‌محور، عدالت‌محور و کرامت‌محور منجر می‌شود، چراکه انسان

۱. به‌سوی او سخنان پاکیزه صعود می‌کند و عمل صالح آن را بالا می‌برد.

موحد از خودپرستی، دنیاپرستی و خودبیگانگی فاصله می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۸).

امام (ع) در پاسخ به سؤال کسی که از اختلاف و سردرگمی نحله‌های فکری در توصیف خداوند و قیاس باری تعالی با انسان‌ها جویا شده و معرفت صحیح را خواسته بود، فرمودند: «أَصِفْهُ بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسُهُ مِنْ غَيْرِ صُورَةٍ لَا يَدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ وَلَا يَقَاسُ بِالنَّاسِ» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۷): «من او را آن‌گونه که خودش را وصف کرده است توصیف می‌کنم، او با حواس شناخته نمی‌شود و با انسان‌ها مقایسه نمی‌گردد.»

در نوبتی امام رضا (ع) در پاسخ به سؤال ابوقره (محدث و عالم اهل سنت) - که باورمند به امکان دیدن خداوند بود- با استناد به آیات قرآن، رؤیت‌پذیر بودن خداوند را رد می‌کند و تبیین صحیح از خداشناسی ارائه می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۶؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۱۱۱-۱۱۲).

توحیدی که در جهان‌بینی اسلامی با قرآن ارائه شد و توسط اهل‌بیت (ع) و به‌ویژه امام رضا (ع) تبیین شد، با مکتب حکما و حتی پیامبران پیشین متفاوت بود. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی: «مکتب حکما و فلاسفه فقط به‌سوی حق اجتماعی دعوت می‌کند و مکتب انبیا (ع) تنها به‌سوی حق واقعی و کمال حقیقی یعنی آنچه مایهٔ سعادت آدمی در آخرت است- اما مکتب اسلام افزون‌بر امضای مواد اخلاقی کتب آسمانی گذشته و تأیید خطوط کلی مسائل قانونی، فقهی و حقوقی آن‌ها، انسان را به حق خالص و توحید و عبودیت محض فراخوانده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۴۰، ص ۳۹۴).

## ۲-۵. برابری انسانی

واضعان فرضیه‌های تژادی با تعمیم فرضیات خود دربارهٔ شکل مجمله و سایر اعضای بدن، رنگ پوست و مو و چشم به جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به این نتیجه می‌رسیدند که تژاد سفید (اروپایی) گاهی تمام و گاهی بخشی از آن) پایه‌گذار تمدن، مشعل‌دار و حافظ تمدن در جامعهٔ بشری بوده و هست (رواسانی، بی‌تا، صص ۶۲-۶۳).

شهید مطهری دربارهٔ چرایی اثرگذار نبودن برخی تژادها در تمدن بشری سخنی قابل توجه دارد، وی می‌گوید: «آیا تژادها «عقب‌نگه‌داشته‌شده» اند یا «عقب‌مانده» اند؟ تفاوت فراونی بین این دو وجود دارد. ظاهراً این نظر، از نظر کلی هیچ قابل قبول نیست که تا این حد میان تژادها تفاوت دانست و بر این باور بود که برخی تژادها به‌هیچ‌روی، تمدن‌ساز و فرهنگ‌ساز نیستند و فقط قدرت اقتباس و تقلید را دارند و برخی دیگر تمدن‌ساز و فرهنگ‌ساز هستند» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۴۸).

نظریهٔ برابری انسان‌ها خاستگاه قرآنی داشته و در گفتار و رفتار اهل‌بیت (ع) نیز تجلی یافته است. امام

رضا (ع) بر این رویکرد تربیتی تمدن‌ساز پافشاری داشته‌اند. عبدالله بن صلت از یکی از مردمان بلخ گزارش کرده است که در سفر حضرت به خراسان همراه ایشان بودم. روزی به‌صرف غذا دعوت کرد. پیشکاران سیاه‌پوست امام (ع) و دیگران حاضر شدند، من از حضرت درخواست کردم برای سیاه‌پوست‌ها سفره دیگری پهن شود. امام (ع) نپذیرفت و فرمود: «خداوند یکتا است و پدر و مادر انسان‌ها یکی است و حساب خداوند بر پایه اعمال است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳۰).

همسر امام رضا (ع) -مادر امام جواد (ع)- ام‌ولدی به نام «سبکیه» یا «خیزران» یا «سکینه» یا «خورنال» اهل نوبه از شهرهای آفریقا است (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ۲۴۷). ام‌الولد در اصطلاح به کنیزی می‌گویند که از مالک خود باردار شده و تحت مالکیت وی وضع حمل کند (احمد، ۱۴۱۵ق، ص ۶۸).

بی‌گمان امام رضا (ع) از والاترین انسان‌هایی هستند که تاریخ بشریت به خود دیده است؛ این سیره عملی حضرت بیانگر این حقیقت است که نژاد و نسب در شخصیت‌بخشی و فضیلت‌دهی انسان‌ها نزد باری تعالی بی‌تأثیر است.

از سیره و روایات امام رضا (ع) و سایر آموزه‌های دینی استفاده می‌شود که انسان‌ها دارای منشأ و سرشت یکسان‌اند و از استعدادهای موهبتی بهره‌مند هستند. برخوردار بودن یا نبودن از فرهنگ و تمدن، سرنوشت محتوم هیچ ملت و جامعه‌ای نیست. در شکوفایی تمدن همه انسان‌ها -کم یا بیش- سهم بوده‌اند. اگر ملت یا نژادی سهم کمتری ایفا کرده است به‌دلیل وجود نداشتن زمینه‌ها و شرایط لازم بوده است؛ درحالی‌که درصورت فراهم شدن شرایط مقتضی پیشرفت و توسعه، سهمی بایسته و شایسته خواهد داشت.

### ۳-۵. نقش آفرینی انسان در تعیین سرنوشت

یکی از موضوعات فکری مهم، نقش انسان‌ها در سرنوشت خود است. این موضوع در قرون نخستین اسلامی به‌صورت مسئله‌ای پیچیده نمودار شد. گاه نیز هم‌سو با سیاست‌های اتخاذی حاکمان ستم‌پیشه بود و آن را ترویج می‌کردند.

بنی امیه -از زمان خلافت معاویه تا پایان حکومت آخرین خلیفه- توانست با استفاده از اندیشه جبر بر مردم حکم برانند. باوری -که انسان و جامعه را در حوادث گوناگون جامعه بدون اختیار می‌دانست- ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر رفتارهای نامشروع حاکمان اموی و جلوگیری از اعتراض مردمان شد. این تفکر به‌وسیله سخنوران و واعظان مزدور آنان تبلیغ و ترویج شد (سبحانی، بی‌تا، ج ۳، صص ۱۵۷-۱۵۶).

در مقابل این اعتقاد نادرست، اندیشه انحرافی دیگری به‌وسیله معتزله شکل گرفت. آنان اثرگذاری

خداوند در اعمال و رفتار انسان‌ها را به‌طور مطلق رد می‌کردند. معتزله توحید افعالی را انکار کردند، زیرا معتقد بودند لازمه توحید افعالی این است که بشر خود خالق افعالش نبوده و خداوند خالق افعالش باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۴). از این اندیشه معتزله با عنوان «تفویض» تعبیر شده است. خلفای عباسی از عصر مأمون تا مرگ واثق (متوفی ۲۳۲ق) با جریان اعتزال هم‌سو بودند (سبحانی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۵). مأمون با امام رضا (ع) در مسئله جبر و اختیار گفت‌وگوهایی داشت (صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۳۴۱-۳۴۲).

در مکتب تربیتی امام رضا (ع) اعتقاد به جبر و تفویض هر دو باطل است. برابر با روایتی نزد امام رضا (ع) از جبر و تفویض سخن به میان آمد، ایشان فرمود: «خداوند به اجبار پیروی نشده و از سر ناتوانی سرپیچی نگریده است. او بندگان را در قلمروش به حال خود رها نکرده است؛ صاحب آن چیزی است که در اختیار آنان قرار داده و قادر به آن چیزی است که بدان قادرشان کرده است؛ اگر بندگان بر طاعت او هم‌داستان شوند، خداوند از آن باز ندارد، و اگر برای نافرمانی او اجتماع کنند، اگر بخواهد می‌تواند بین آنان و آن عمل مانع گردد و اگر مانع نشد و آنان عمل را مرتکب گردیدند، خداوند در آن عمل داخل نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۶۲).

در تمدن‌سازی اسلامی، نفی جبر و باور به نقش‌آفرینی انسان‌ها در سرنوشت‌شان، حرکت جامعه در مسیر شکوفایی و رشد فردی و اجتماعی را موجب خواهد بود. جوامع اسلامی را از سستی و مسئولیت‌گریزی باز خواهد داشت و حاکمان خودکامه و ستم‌پیشه را از مسند حکومت به پایین خواهد کشید. در مقابل نفی تفویض و اختیار مطلق انسان‌ها، باورمندی به اثرگذاری خداوند در همه حوادث را در بی‌داری؛ این باور ازسویی در شکست‌ها و ناکامی‌ها جلوی یأس و ناامیدی را خواهد گرفت و پویایی و نشاط پیوسته جوامع را تضمین می‌کند و ازسویی دیگر، موفقیت‌ها و کامیابی‌ها را در پرتو توفیقات و امدادهای الهی تلقی کرده و سدی استوار در برابر غرور و خودکامگی انسانی خواهد بود.

#### ۵-۴. کرامت‌مداری انسان

در گفتار و کردار امام رضا (ع) اصل کرامت انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. شخصی نزد امام رضا (ع) سوگند یاد کرد که پدر هیچ‌کسی شریف‌تر از پدران حضرت نیست. امام (ع) فرمود: «شرف آنان به تقوا است و طاعت خداوند یکبارچه وجود آنان را فرا گرفته است.» فردی دیگر به امام (ع) عرضه داشت: «سوگند به خداوند! تو بهترین انسان هستی.» امام (ع) فرمود: «بهترینان کسانی‌اند که بانقواتر و اطاعت‌مندتر هستند. به خدا قسم! این آیه نسخ نشده است: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۶).

ارزش‌گذاری و تکریم انسان‌ها اثر عمیقی در وجود آنان خواهد گذاشت و نخست، زمینه رشد و تعالی فردی را در آنان فراهم خواهد کرد، آنگاه حضور و مشارکت مؤثر اجتماعی آنان و کمک به شکوفایی تمدن را موجب خواهد شد.

امام رضا (ع) به اهمیت چنین موضوعی کاملاً وقوف داشت؛ بنابراین نقل است که آن حضرت وقتی تنها بود و سفره گسترانده می‌شد، همه خدمتگزاران حضرت حتی دربان و ستوریان هم سفره ایشان می‌شدند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، ص ۲۶۵).

#### ۵-۵. عدالت تربیتی

عدالت از مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن اسلامی است. استن‌وود کاب - در کتاب سهم اسلام در تمدن بشری - می‌نویسد: «رشد فزاینده و سریع تمدن بر اسلام سعادت عموم مردم و طبق نظام‌نامه برادری در اسلام - که محمد (ص) پایه‌گذار آن بود و با حمایت قرآن و عملی شدن آن توسط همه خلفای صدر اسلام مواجه شد - صورت پذیرفت» (کاب، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

امام رضا (ع) انتظار مردم از امام و پیشوا را در این می‌داند که عدل‌و داد پیشه کند؛ چون سخن گوید، راست گوید و چون حکم راند، عدل ورزد و چون وعده دهد، بدان وفا کند (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۰). این سخن حضرت بر عدالت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توسط حاکمان دلالت دارد. با وجود این، عدالت در منظومه فکری امام رضا (ع) فقط سویی قضایی یا اقتصادی ندارد، بلکه فضیلتی فراگیر است که ابعاد گوناگون رفتار انسان را در بر می‌گیرد. عدالت علمی، تربیتی، آموزشی و غیر آن‌ها به عدل‌ورزی نیازمند است. امام (ع) در جلسات علمی به همه گروه‌ها - بدون توهین یا طرد - اجازه اظهار نظر می‌داد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۲).

بررسی یکایک مناظرات حضرت نشان می‌دهد که همواره ایشان سخنان مخالفان خود را می‌شنیدند؛ به طوری که فضا را طوری فراهم می‌کردند تا افراد بدون اضطراب دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، آنگاه بدون اهانت و با بیان مستدل و مبرهن آنان را نقد می‌کردند.

#### ۶. روش‌های تربیتی تمدن‌ساز در سیره امام رضا (ع)

روش‌های تربیتی تمدن‌ساز امام رضا (ع) حوزه‌های تربیت شناختی، تربیت عاطفی و تربیت رفتاری را در بر دارد. در ادامه، با توجه به محدودیت‌های حجمی و کمی مقاله، برخی از روش‌های تربیتی با رویکرد تمدنی در سیره امام رضا (ع) تبیین می‌شود.

## ۱-۶. تربیت شناختی

تربیت شناختی در روش‌های تربیتی امام رضا (ع) ساحت‌های گوناگون و متنوعی داشته است که تقویت تفکر انتقادی و عقل‌گرایی از جمله آن است. برگزاری کرسی آزاداندیشی جلوه‌ای از تقویت تفکر انتقادی است و تربیت عقلانی جلوه‌ای از عقل‌گرایی است.

### ۱-۱-۶. برگزاری کرسی آزاداندیشی

یکی از برجسته‌ترین روش‌های امام رضا (ع) در تربیت، مناظره‌های علمی با نمایندگان مکاتب گوناگون در قالب کرسی‌های آزاداندیشی است.

از امام رضا (ع) مناظره‌های متعددی گزارش شده است؛ از جمله مناظره با بزرگان ادیان مختلف مانند جاثلیق، رأس الجالوت، بزرگان صابنان، هژید اکبر، زرتشتیان و نسطاس رومی (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۵۴)، مناظره با سلیمان مَرَوَزِی متکلم خراسانی درباره توحید در حضور مأمون (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۷۹)، مناظره با صاحبان ادیان و مذاهب نزد مأمون (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)، مناظره با علی بن محمد بن جهم درباره عصمت در حضور مأمون (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱)، مناظره درباره دلایل امامت ائمه (ع) و نقد دیدگاه غالیان در حضور مأمون (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۰۰).

در این رویکرد تربیتی، جایگاه تمدنی و فرهنگی اسلام در میان مخالفان ارزشمند جلوه می‌کرد و زمینه گرایش به اسلام یا دست‌کم تکریم و احترام به آن فراهم می‌شد.

## ۲-۱-۶. تربیت عقلانی

تربیت عقلانی روشی قرآن‌پایه است. در آیات متعددی خداوند دعوت به تدبیر، تفکر و تعقل کرده است. رویکرد تمدنی قرآن در تربیت انسان‌ها، پروراندن انسان‌های اندیشه‌ورزی است که باورها و اعتقادات خود را براساس برهان و استدلال می‌پذیرند.

این تعلیم قرآنی در سیره امام رضا (ع) نمودی روشن داشته است. حضرت در روایتی می‌فرماید: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵): «عبادت فزونی نماز و روزه نیست، عبادت اندیشیدن در امر خداوند است.»

عقل‌گاه نقش «مصباح» و گاه نقش «منبع» دارد. اگر عقل سخنی را با بهره‌گیری از آیات و روایات دریابد، در این صورت ساحت «مصباح» را دارد و اگر با استنباط از برخی مبادی تصویری و تصدیقی از منبع ذاتی برهانی و علوم متعارف صورت پذیرد، در این حالت عقل ساحت «منبع» را برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۷-۵۸). نوع اول را که عقل در آن ساحت مصباح دارد، «عقل برهانی»

یا «عقل اکتسابی» و نوع دوم را که عقل در آن ساحت منبع دارد، «عقل فطری» نامیده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱؛ علوی‌مهر، ۱۳۸۴، ص ۳۵۸).

امام رضا (ع) از هر دو عقل بهره گرفته است. این بهره‌برداری را در تقابل با رویکرد فکری و اعتقادی اهل سنت بهتر می‌توان به دست آورد؛ برای نمونه در چند آیه از قرآن کریم واژگان «ید» و «یمین» به خداوند اضافه شده است. مانند: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» (ص: ۷۵)؛ «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» (مائده: ۶۴)؛ «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» (زمر: ۶۷).

برخی از اهل سنت بر این باور رفته‌اند که طبق این آیات خداوند دو دست دارد، اما نمی‌توان کیفیت و چگونگی آن را بیان کرد (ابوالحسن اشعری، ۱۳۹۷، ص ۲۹۰). برخی دیگر از آنان از طرفی تفسیر جسمانی از این آیات را رد کرده‌اند (احمدی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۰۸)، اما از طرف دیگر، معنای غیرجسمانی از آیه را پذیرفته‌اند و معتقدند خداوند آدم را با دستش خلق کرده است (احمدی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۰۷). برخی نیز تصریح کرده‌اند که آسمان‌ها و زمین در مُشْتِ راست خداوند هستند (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۸۵).

امام رضا (ع) آیات را با بهره‌گیری از عقل برهانی طور دیگری تفسیر کرده است. مراد از «ید» را در آیه «مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» نعمت و قدرت بیان داشته است (صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۱۵۳-۱۵۴). همچنین، از آن حضرت نقل شده که مقصود یهود از «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» این بود که خداوند از آنچه خلق کرده، باز ایستاده است؛ اما خداوند در مقابل فرمود: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» (عباشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۳۰). در روایت اول، امام (ع) با توجه به امتناع معنای جسمانی «ید» برای خداوند، آن را به معنای غیرجسمانی و سزاوار بر خداوند تفسیر کرده است. این بیان امام (ع) با استفاده از کاربرد واژه «ید» در سخن عرب بوده است، زیرا در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده است که واژه «ید» را عرب در دو معنای نعمت و قدرت به کار برده است (صدوق، ۱۳۹۸ق، صص ۱۵۳-۱۵۴).

در روایت دیگری امام رضا (ع) با استدلال به وسیله عقل فطری بر امتناع وجود دست بشری برای خداوند دلیل آورده است. عبدالله بن قیس از آن حضرت سؤال می‌کند که آیا آیه «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» اشاره به دستان انسانی دارد؟ امام (ع) می‌فرماید: «اگر خداوند دو دست مانند انسان داشت، مخلوق بود» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۶۸). امام (ع) در این روایت دست داشتن خداوند را نفی کرده است؛ زیرا عقل گواه آن است که دست داشتن از لوازم آفریده‌ها است و هر آفریده‌ای به آفریننده‌ای نیازمند است، درحالی‌که خداوند خالق مخلوقات و بی‌نیاز مطلق است؛ بنابراین امام (ع) با نفی مخلوقیت خداوند، دست داشتن را نیز نفی کرده است.

## ۲-۶. تربیت عاطفی

جامعه را عقل و محبت اداره می‌کند، جهل علمی و جهالت عملی مزاحم تمدن جامعه است. جامعه ای متمدن خواهد بود که عقلانیتش و محبتش در سایه رهبری‌های انبیای عظام به حد نصاب خود برسد و در سایه محبت و عقلانیت جامعه را متمدن کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۹، ص ۳۲۷).

امام رضا (ع) در کنار عقلانیت از احساسات و عواطف مثبت برای رشد شخصیت و افزایش دل‌دادگی و ایمان بهره گرفته است. این روش تربیتی در سیره امام (ع) قابل شناسایی و تبیین است. برای نمونه یکی از مناظرات امام رضا (ع) با عالمی سُنی مذهب و متعصب به نام علی بن محمد بن جهم است. وی از عالمان و شاعران اهل سنت و از ملازمان متوکل عباسی است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۶۷). او در دشمنی سرسخت به امام علی (ع) و اهل بیت (ع) شهره بود. می‌گویند پدرش را به سبب آنکه نامش را علی گذارده بود، لعن می‌کرد (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۱۰).

در مناظره‌ای که مأمون عباسی میان امام رضا (ع) و عالمان جریان‌های کلامی اسلامی و غیراسلامی ترتیب داده بود، امام (ع) بر همه غالب آمد؛ سپس نوبت به علی بن محمد بن جهم رسید، وی با طرح آیاتی چند از قرآن در عصمت پیامبران تشکیک می‌کند، امام (ع) به او می‌فرماید: «تقوای الهی پیشه کن و به پیامبران اعمال زشت را نسبت مده و کتاب خداوند را با رأی خود تأویل مکن.» آن‌گاه امام (ع) تأویل صحیح آیات را بیان فرمود و شبهات وارده بر عصمت را نفی می‌کند. علی بن جهم در پایان مناظره گریست و گفت: «ای فرزند رسول خدا (ص)! من به درگاه خداوند توبه می‌کنم از اینکه از امروز به بعد جز آنچه درباره پیامبران الهی گفتمی به زبان آورم» (صدوق، ۱۴۰۰ق، صص ۹۰-۹۳).

## ۳-۶. تربیت رفتاری

مراد از تربیت رفتاری آن است که رفتار تمدنی پیشوا و امام مسلمانان به گونه‌ای باشد که مانع از چندپارچگی جامعه گردد، بر مشترکات تأکید کند و موجب هم‌افزایی شود. او خود به رفتارهای شایسته اخلاقی و اجتماعی آراسته است و الگوهای مطلوب را می‌شناساند و خود الگویی شایسته برای آحاد جامعه به حساب می‌آید. در تبیین مصداقی بخش تربیت رفتاری از دو روش تغافل و اسوه‌سازی سخن به میان می‌آید.

## ۱-۳-۶. تغافل

از دیگر روش‌های تربیتی با رویکرد تمدنی، تغافل است. در اهمیت آن فرموده‌اند: «سامان دادن معاشرت و زندگی اجتماعی مانند پیمانه پُری است که دوسوم آن هوشیاری و زیرکی است و یک‌سوم آن

تغافل است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵۹). واکنش نشان دادن به همه اتفاقات و ضعف‌های افراد و جامعه، چالشی سترگ پیش‌روی رشد و بالندگی تمدن اسلامی خواهد بود. در سیره امام رضا (ع) درباره برخی رویدادهای فکری و فرهنگی عصر، نوعی تغافل دیده می‌شود؛ از جمله آن‌ها مسئله حدوث و قدم قرآن بود که از مناقشات اعتقادی پافرازان نهاده و به منازعات سیاسی تبدیل شده بود.

در اواخر قرن دوم عقیده مخلوق نبودن قرآن ترویج گردید؛ اهل حدیث به آن گردن نهادند و در پافشاری بر این عقیده انواع شکنجه‌ها را متحمل شدند (سبحانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۳). در مقابل، معتزله به حدوث قرآن اعتقاد داشتند. معتزله طی سال‌های ۱۹۸-۲۳۲ هجری قمری - که سال‌های حکومت مأمون، معتصم و واثق عباسی بود - از حمایت کامل زمامداران عباسی برخوردار بودند و آرا و باورهای آنان عقاید رسمی دینی پذیرفته شد. مسئله‌ای که با شدت تمام مورد گفت‌وگوی آنان و مخالفانشان قرار گرفت، «خلق قرآن» بود (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۷۱، صص ۱۳۸-۱۳۶). مأمون در سال ۲۱۸ هجری قمری نوشت تا فقها را از عراق و غیر آن حاضر کنند، آنان را درباره مخلوق بودن قرآن تفتیش عقیده می‌کرد. هرکس از اعتراف به عدم خلق قرآن سر باز می‌زد، کافر می‌دانست و می‌نوشت تا گواهی چنین کسی پذیرفته نشود. جز چند نفری همگی به این عقیده معترف شدند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۹۱).

امام رضا (ع) در این مسئله موضع‌گیری هوشمندانه‌ای داشتند. ایشان به گونه‌ای دیدگاه خود را اظهار می‌کردند که برای دستگاه خلافت حساسیت ایجاد نکند. حسین بن خالد به امام رضا (ع) عرضه می‌دارد: «قرآن خالق است یا مخلوق؟» حضرت می‌فرماید: «نه خالق است و نه مخلوق، کلام خداوند است» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۳). در روایت دیگری ریّان بن صلت نظر امام رضا (ع) درباره قرآن جو یا می‌شود، ایشان پاسخ می‌دهد: «قرآن کلام خداوند است، از آن فراتر نروید و از غیر آن هدایت مجوید که گمراه می‌گردید» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۳).

امام (ع) پاسخ برهانی و عمیق به این مسئله نداده‌اند؛ زیرا دوره تاریخی بحث خلق قرآن و رنج‌هایی که بر دو گروه قائلان به قدم و حدوث قرآن رفت گواهی می‌دهد که پافشاری بر این مسئله برای احقاق حق و زدودن شک نبوده است، بلکه هر گروهی از این مسئله برای مقابله با دیگری بهره می‌گرفت (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۷).

در دوران امام هادی (ع) که شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه آمادگی برای بررسی موشکافانه این مسئله را داشت، ایشان دیدگاه اهل بیت (ع) را صریح بیان فرمودند. حضرت در نامه‌ای به یکی از شیعیان خود نوشتند: «قرآن کلام خداوند است. برای آن نامی از پیش خود مگذار که از گمراهان می‌شوی» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۳).

## ۶-۳-۲. اسوه‌سازی

یکی از روش‌های تربیتی قرآن اسوه‌سازی است. خداوند پیامبر (ص) (احزاب: ۲۱) و ابراهیم (ع) و هم‌فکران و همراهان ایشان (ممتحنه: ۴) را «اسوه حسنه» معرفی کرده است. اسوه، مرجعیت فکری و رفتاری جامعه را به عهده دارد. به هر میزان که از سلامت نفس و طهارت قلبی برخوردار باشد در نمایاندن و راهبری انسان‌ها به سوی بندگی خداوند و پایه‌گذاری و ایجاد تمدن الهی موفق‌تر خواهد بود؛ بنابراین از اوصاف لازم پیامبران و اوصیای آنان عصمت است.

در صورتی که این ویژگی مهم که کتمان شود یا دستخوش تحریف گردد، راهبران و هادیان منصوب الهی نخواهند توانست در دوران حیات و حتی پس از وفات با سخن و رفتار خود در جوامع بشری اثرگذار باشند. امام رضا (ع) با اشراف به اهمیت این موضوع، پیامبران را الگوهای شایسته رهبری جامعه شناسانند که از لغزش‌های قولی و فعلی مصون بودند.

در قرآن کریم همانند دیگر کتاب‌های آسمانی سرگذشت عبرت‌آموز پیامبران الهی گزارش شده است. در این بین، آیتی وجود دارد که به دلیل اختصار در گزارش احوال انبیا سبب شبهه‌افکنی کج‌فهمان و معاندان به عصمت انبیا شده است؛ چه بسا آنان متأثر از تورات و انجیل بوده‌اند؛ کتاب‌هایی که آکنده از سخنان سخیفی است که ساحت بلند پیامبران را کوچک‌تر از مردمان عادی جلوه داده‌اند. این اتهامات بی‌پایه گاه در قالب روایات نبوی (ص) به درون جامعه اسلامی راه یافته‌اند؛ به طوری که مسئله عصمت انبیا و حدود و ثغور آنکه موضوع چندان دشواری نمی‌نمود، آماج اتهامات ساده‌لوحان مسلمان شد.

امام رضا (ع) در مواجهه با این چالش نقش مؤثری داشتند و در این مسئله روایات افزون‌تری از ایشان در مقایسه با سایر اهل بیت (ع) وارد شده که غالباً در قالب مناظره بوده است. برای نمونه در مناظره‌ای که مأمون عباسی میان امام رضا (ع) و عالمان جریان‌های فکری مسلمان و غیرمسلمان ترتیب داده بود، حضرت بر همه غالب آمد. نوبت به علی بن محمد بن جهم رسید، به امام (ع) عرضه داشت: «آیا به عصمت پیامبران معتقد می‌باشی؟» امام (ع) می‌فرماید: «آری». وی سخن ایشان را با برخی آیات که به ظاهر با عصمت پیامبران منافات داشت، نقض می‌کند: «وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۱)، «وَ ذَا التُّورِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء: ۹۷)، «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا» (یوسف: ۲۴)، «وَ ظَلَّ دَاوُدُ إِذْ مَآ فُتِنًا» (ص: ۲۴)، «وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب: ۳۷). امام (ع) شبهات مربوط به هریک از آیات را که به ترتیب در رابطه با آدم (ع)، یونس (ع)، یوسف (ع)، داود (ع) و رسول اکرم (ص) است، پاسخ مقتضی می‌دهد، به طوری که علی بن جهم در پایان مناظره در برابر استدلال‌های حضرت تسلیم می‌گردد و باورمند به عصمت پیامبران می‌شود (صدوق، ۱۴۰۰، صص ۹۰-۹۳).

## نتیجه گیری

مطالعه و تحلیل سیره تربیتی امام رضا (ع) نشان داد که این سیره برخوردار از مؤلفه‌هایی عمیق درزمینه تمدن‌سازی است. در بحث زمینه‌های تاریخی و فرهنگی سیره تربیتی امام رضا (ع) با تأکید بر کارکرد تمدنی روشن گردید که بستریهایی چون دوران طلایی عصر امام رضا (ع)، پذیرش ولایت‌عهدی و چالش‌های تربیتی، هجرت تمدن‌ساز امام رضا (ع) به ایران، مناظره‌های علمی و بنیان‌گذاری عقلانیت دینی موجب گردید تا سیره تربیتی امام (ع) از سطح آموزش و تربیت فردی به مرحله تمدن‌ساز ارتقا یابد. تربیت تمدنی در سیره امام رضا (ع) بر مبانی‌ای استوار یافته بود. پنج محور بنیادین بررسی شد: توحیدمحوری، برابری انسانی، نقش‌آفرینی انسان در تعیین سرنوشت، کرامت‌مداری انسان، عدالت تربیتی. این مبانی -که بن‌مایه روش‌های تربیتی هستند- نشان‌دهنده آن بود که اولاً تربیت تمدنی باید بر محور توحید باشد؛ ثانیاً، امکان تربیت و تمدن‌سازی برای همه انسان‌ها فراهم است؛ ثالثاً، هر انسانی به نوبه خود در رقم خوردن سرنوشت جامعه خود اثرگذار است. روش‌های تربیتی با رویکرد تمدنی در سیره امام رضا (ع) در حوزه‌های تربیت شناختی، تربیت عاطفی و تربیت رفتاری واکاوی شد. تربیت شناختی در روش‌های تربیتی امام رضا (ع) ساحت‌های گوناگون و متنوعی داشته است؛ تقویت تفکر انتقادی و عقل‌گرایی از جمله آن است. برگزاری کرسی آزاد اندیشی جلوه‌ای از تقویت تفکر انتقادی است و تربیت عقلانی جلوه‌ای از عقل‌گرایی است. در روش تربیت عاطفی، امام رضا (ع) در کنار عقلانیت از احساسات و عواطف مثبت برای رشد شخصیت و افزایش دل‌دادگی و ایمان بهره گرفته است. در روش تربیت رفتاری عملکرد امام (ع) به گونه‌ای بوده که مانع از چندپارچگی جامعه گردیده، بر مشترکات تأکید کرده و موجب هم‌افزایی شده است. در تبیین مصداقی بخش تربیت رفتاری از دو روش تغافل و اسوه‌سازی سخن به میان می‌آید. براساس یافته‌های تحقیق در رویکرد تمدنی به تربیت، نظریه‌پردازی و راهبری باید بر پایه آموزه‌های الهی باشد؛ این آموزه‌ها یا به صورت مستقیم از جانب خداوند فرود آمده است (که در قالب کتاب‌های آسمانی جلوه یافته است و قرآن کریم تنها کتاب آسمانی بی‌پیرایه و معتبر در این مسیر است)، یا بر دل‌های پیشوایان منصوب الهی الهام گردیده و در قالب احادیث بیان شده است. تربیت انسان‌ها براساس این آموزه‌ها را باید همین پیشوایان عهده‌دار باشند. امام رضا (ع) مبتنی بر آموزه‌های الهی و با روش و سیرت انسان‌ساز خود، اثرگذارترین شخصیت تمدنی در عصر خود بوده است. بازخوانی و پیاده‌سازی روایات و گزارش‌های مربوط به سیره ایشان، نقشی مؤثر در بازسازی تمدن اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

## تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

## تضاد منافع

نویسندگان تضاد منافی اعلام نکرده‌اند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابن حجر، احمد بن علی (۱۳۹۰ ق). *لسان المیزان*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابوالحسن اشعری، علی بن اسماعیل (۱۳۹۷ ق). *الإبانه عن أصول الديانة*. قاهره: دار الأنصار.
- احمد، فتح الله (۱۴۱۵ ق). *معجم الفاظ الفقه الجعفری*. بی جا: مطابع المدوخل الدمام.
- احمدی، عبدالله بن سلمان (۱۴۱۶ ق). *المسائل و الرسائل المروية عن الإمام أحمد بن حنبل فی العقيدة*. ریاض: دار طیبه.
- الهامی، داود (۱۳۷۵). *سیری در تاریخ تشیع*. قم: مکتب اسلام.
- بازرگان، عباس، سرمد، زهره، و حجازی، الهه (۱۳۷۶). *روش های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
- بهشتی، سعید، و رشیدی، شیرین (۱۳۹۲). *اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع)*. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۱(۱۸)، ۵۱-۶۷. <https://sid.ir/paper/243398/fa>
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۵). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *تاریخ تشیع در ایران*. تهران: نشر علم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). *تسنیم*. جلد ۴۰، قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم*. جلد ۱، قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *حیات حقیقی انسان در قرآن*. قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *سروش هدایت*. قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *فطرت در قرآن*. قم: اسرا.

- حسینی، سیدمحمدعارف (۱۳۸۱). رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته: بررسی نظریات مختلف درمورد رویارویی تمدن اسلامی و تمدن غرب و راه کارهای بازسازی تمدن غرب، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث.
- حمیدی، سمیه، و مزدخواه، احسان (۱۴۰۱). تربیت سیاسی در سیره امام رضا(ع): الگویی برای بصیرت افزایی. فرهنگ رضوی، ۱۰(۳۸) (پیاپی ۳۸)، ۱۰۵-۱۳۷.  
<https://doi.org/10.22034/farzv.2021.286816.1652>
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). *نزہة الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد، دراسة وتحقیق*: مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۱). *قدریه در تاریخ کلام اسلامی*. *مجله نور علم*، ۱۰(۴۸)، ۸۵-۵۶.  
<http://noo.rs/QjdVF>
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۴). *درس نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رواسانی، شاپور (بی تا). *نادرستی فرضیه‌های نژادی آریا، سامی و ترک*. تهران: اطلاعات.
- سبحانی، جعفر (بی تا). *بحوث فی الملل والنحل*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۲ق). *الإلهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*. قم: المركز العالمي للدراسات الإسلامیه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). *روانشناسی تربیتی*. تهران: امیرکبیر.
- شریفی، عنایت (۱۴۰۰). *سبک و سیره امام رضا (ع) در تربیت اخلاقی افراد جامعه*. فرهنگ رضوی، ۱۱(۱) (پیاپی ۳۳)، ۲۰۳-۲۲۴.  
<https://doi.org/10.22034/farzv.2021.234312.1536>
- شفایی، امان الله (۱۳۹۶). *مطالعه عزیمت امام رضا(ع) به خراسان در چارچوب اصل هجرت تمدن ساز*. فرهنگ رضوی، ۵(۲۰) (پیاپی ۲۰)، ۱۰۵-۱۳۰.  
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452560.1396.5.20.4.6>

- صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۰ق). *الامالی*. بیروت: اعلمی.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا (ع)*. تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. تهران: اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: دارالفکر.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴). *قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۴). *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: مطبعة علمیه.
- قاسمی، مرتضی، محمدجعفری، رسول، و میرزامحمدی، محمدحسن (۱۴۰۱). *بررسی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا (ع)*. فرهنگ رضوی، ۱۰(۴۰)، ۱۰۷-۱۳۶.  
<https://doi.org/10.22034/farzv.2022.325646.1732>
- قرشی، باقر شریف (۱۳۸۲). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا (ع)*، مترجم: سید محمد صالحی. تهران: اسلامیه.
- کاب، استن وود (۱۳۹۵). *سهم اسلام در تمدن بشری*، ترجمه: علی حسن نیا، تهران: شب افروز.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتاب الاسلامی.
- محمودی، رضا (۱۳۸۷). *مقدمات روش تحقیق*. تهران: انتشارات بال.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *آموزش و پرورش در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.

- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ق). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. بیروت: دارالمفید.
- مقاتل بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار احیاء التراث.
- موسلی، مهدی، و جدی، حسین (۱۳۹۷). مؤلفه‌ها و روش‌های تربیتی در احادیث امام رضا (ع). بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۵(۴۵)، ۳۲-۹. <https://sid.ir/paper/515686/fa>
- نادری، عزت‌الله، و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: انتشارات ارسباران.
- هراتی، رابعه، محمودنیا، علیرضا، صالحی، اکبر، و کشاورز، سوسن (۱۴۰۰). تربیت فرزند در خانواده از منظر سیره امام رضا (ع). فرهنگ رضوی، ۹(۱۱۹) (پیاپی ۳۳)، ۱۰۵-۱۳۸. <https://doi.org/10.22034/farzv.2021.129234>
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی (ترجمه: محمدابراهیم آیتی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

## References

- The Holy Qur'an
- 'Ayyashi, M. (1960). *Tafsir al- 'Ayyashi*. Tehran: Matba'ah-ye 'Elmiyeh.
- Abbasnejad, M. (2005). *Qur'an, Ravan-shenasi va 'Olum-e Tarbiyat*. Mashhad: Bonyad-e Pazhoesh-haye Qur'ani-ye Howzeh va Daneshgah [In persian].
- Abul Hasan Ash'ari, A. (1977). *Al-Ibanah 'an Usul al-Diyanah*. Cairo: Dar al-Ansar.
- Ahmad, F. (1995). *Mu'jam Alfaz al-Fiqh al-Ja'fari*. N.p.: Matabi' al-Madoukhal, Dammam.
- Ahmadi, A. (1996). *Al-Masa'il wa al-Rasa'il al-Marwiyyah 'an al-Imam Ahmad ibn Hanbal fi al- 'Aqidah*. Riyadh: Dar Taybah.
- Alavi Mehr, H. (2005). *Ashna'i ba Tarikh-e Tafsir va Mofasserin*. Qom: Markaz-e Jahani-ye 'Olum-e Islami [In persian].
- Bazargan, A., Sarmad, Z., Hejazi, E. (1997). *Ravash-haye Tahqiq dar 'Olum-e Raftari*. Tehran: Nashr-e Agah [In persian].

- Beheshti, S., & Rashidi, Sh. (2013). Principles of Rational Education Based on the Sayings of Imam Reza (A.S.). *Pazhohesh dar Masaa'el-e Ta'lim va Tarbiyat-e Islami*, 21(18), 51-67. <https://sid.ir/paper/243398/fa> [In persian].
- Elhami, D. (1996). *Seyri dar Tarikh-e Tashayyo'*. Qom: Maktab-e Islam [In persian].
- Ghasemi, M., Mohammadjafari, R., Mirzamahmadi, M. H. (2022). Examining the Principles and Methods of Moral Education in the Narrations of Imam Reza (A.S.). *Farhang-e Razavi*, 10(40), 107-136. <https://doi.org/10.22034/farzv.2022.325646.1732> [In persian].
- Halwani, H. (1988). *Nuzhat al-Nazer wa Tanbih al-Khater*. Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi (AJ).
- Hamidi, S., & Mazdokhah, A. (2022). Political Education in the Biography of Imam Reza (A.S.): A Model for Enhancing Insight. *Farhang-e Razavi*, 10(38), 105-137. <https://doi.org/10.22034/farzv.2021.286816.1652> [In persian].
- Herati, R., Mahmoudnia, A., Salehi, E., & Keshavarz, S. (2021). Child Rearing in the Family from the Perspective of Imam Reza's (A.S.) Biography. *Farhang-e Razavi*, 9(1), 105-138. <https://doi.org/10.22034/farzv.2021.129234> [In persian].
- Himyari, A. (1992). *Qurb al-Isnad*. Qom: Mu'assasat Aal al-Bayt (A.S.).
- Hosseini, S. (2002). *Royaryuyi-ye Tamaddon-e Eslami va Moderniteh*. Qom: Markaz-e Jahani-ye 'Olum-e Islami [In persian].
- Hurr 'Ameli, M. (1994). *Wasaa'il al-Shi'ah*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath.
- Ibn Hajar, A. (1970). *Lisan al-Mizan*. Beirut: Mu'assasat al-A'lamilil-Matboo'at.
- Ibn Shu'bah Harani, H. (1984). *Tuhaf al-'Uqul 'an Aal al-Rasool*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami.
- Jafariyan, R. (2008). *Tarikh-e Tashayyo' dar Iran*. Tehran: Nashr-e Elm [In persian].
- Jan Ahmadi, F. (2016). *Tarikh-e Farhang va Tamaddon-e Eslami*. Qom: Daftar-e Nashr-e Ma'aref [In persian].
- Javadi Amoli, A. (2005). *Hayat-e Haqiqi-ye Ensan dar Qur'an*. Qom: Asra [In persian].

- Javadi Amoli, A. (2007). *Fetrat dar Qur'an*. Qom: Asra [In persian].
- Javadi Amoli, A. (2009). *Tafsir-e Tasnim*, Vol. 1. Qom: Asra [In persian].
- Javadi Amoli, A. (2016). *Tafsir-e Tasnim*, Vol. 40. Qom: Asra [In persian].
- Javadi Amoli, A. (2018). *Sorush-e Hedayat*. Qom: Asra [In persian].
- Kaab, E. (2016). *Sahm-e Islam dar Tamaddon-e Bashari*, Translated by Ali Hassannia. Tehran: Shab-afrouz [In persian].
- Khamenei, S. A. (2018). *Bayanieh-ye Gham-e Dovvom-e Enqelab-e Islami*. Tehran: Daftar-e Nashr-e Ma'aref-e Enqelab [In persian].
- Khatib Baghdadi, A. (1996). *Tarikh Baghdad*, Study and Research by Mustafa Abd al-Qadir 'Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Kulayni, M. (1987). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islami.
- Mahmoudi, R. (2008). *Moghaddamat-e Ravash-e Tahqiq*. Tehran: Nashr-e Baal [In persian].
- Maqatel Balkhi, M. (2002). *Tafsir Maqatel ibn Sulayman*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath.
- Mofid, M. (1994). *Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-'Ibad*. Beirut: Dar al-Mofid.
- Mosalli, M., & Jadi, H. (2018). Components and Educational Methods in the Hadiths of Imam Reza (A.S.). *Basirat va Tarbiyat-e Islami*, 15(45), 9-32. <https://sid.ir/paper/515686/fa> [In persian].
- Motahhari, M. (1983). *Ta'lim va Tarbiyat dar Islam*. Tehran: Sadra [In persian].
- Motahhari, M. (1993). *Majmu'eh A'thar*. Tehran: Sadra [In persian].
- Motahhari, M. (2001). *Amuzesh va Parvaresh dar Islam*. Tehran: Sadra [In persian].
- Naderi, A. (2010). Ravash-haye Tahqiq va Cheguneghi-ye Arzeshiabi-ye Aan dar 'Olum-e Ensani. Tehran: Arasbaran [In persian].
- Qureshi, B. Sh. (2003). *Pazhoheshi Daghig dar Zendegani-ye Imam Ali ibn Musa al-Reza (A.S.)*, trans. Seyyed Mohammad Salehi. Tehran: Islamiyyah [In persian].
- Rabbani Golpayegani, A. (1992). Qadariyya in the History of Islamic Theology. *Noor-e Elm*, 10(48), 56-85. <http://noo.rs/QjdVF> [In persian].

- Ravasani, Sh. (n.d.). *Nadorosti-ye Farziyeh-haye Nezhaadi-ye Arya, Sami va Turk*. Tehran: Ettela'at [In persian].
- Rezaei Esfahani, M. (2005). *Darsnameh-ye Ravash-ha va Gerayesh-ha-ye Tafsiri-ye Qur'an*. Qom: Markaz-e Jahani-ye 'Olum-e Islami [In persian].
- Saduq, M. (1959). *'Uyun Akhbar al-Ridha (A.S.)*. Tehran: Nashr-e Jahan.
- Saduq, M. (1978). *Al-Tawhid*. Qom: Jame'eh-ye Modarresin.
- Saduq, M. (1980). *Al-Amali*. Beirut: A'lami.
- Saduq, M. (1983). *Ma'ani al-Akhbar*. Qom: Daftar-e Nashr-e Islami.
- Saduq, M. (1986). *Thawab al-A'maal wa 'Iqab al-A'maal*. Qom: Dar al-Sharif al-Radhi.
- Saduq, M. (1992). *Man La Yahduruh al-Faqih*. Qom: Daftar-e Nashr-e Islami.
- Shafa'i, A. (2017). Study of Imam Reza's (A.S.) Journey to Khorasan within the Framework of the Principle of Civilization-Building Migration. *Farhang-e Razavi*, 5(20), 105-130.  
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452560.1396.5.20.4.6> [In persian].
- Shari'atmadari, A. (2011). *Ravanshenasi-ye Tarbiyat*. Tehran: Amir Kabir [In persian].
- Sharifi, A. (2021). The Style and Biography of Imam Reza (A.S.) in the Moral Education of Society Members. *Farhang-e Razavi*, 9(1), 203-224.  
<https://doi.org/10.22034/farzv.2021.234312.1536> [In persian].
- Sobhani, J. (1991). *Al-Ilahiyyat 'ala Huda al-Kitab wa al-Sunnah wa al-'Aql*. Qom: Al-Markaz al- 'Alami lil-Dirasat al-Islamiyyah.
- Sobhani, J. (n.d.). *Buhooth fi al-Milal wa al-Nihal*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami.
- Tabarsi, F (1993). *Majma'al-Bayan*. Tehran: Dar al-Fikr.
- Tabarsi, F. (1970). *I'lam al-Wara bi A'lam al-Huda*. Tehran: Islamiyyah.
- Tabataba'i, M. (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matboo'at.
- Ya'qubi, A. (1992). *Tarikh-e Ya'qubi*, Translated by M. Ayat. Ayati. Tehran: Entesharat-e 'Elmi va Farhangi [In persian].